

حجیت مفاد فرازهای مستقل قرآن؛ رهیافت‌ها و زمینه‌ها (مطالعه موردی، آیه ۱۸۹ بقره)

عاطفه محمدزاده *

روح اله شهیدی **

محمدعلی مهدوی راد ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

قرآن، کتاب هدایتی است که به دلیل جاودانگی، محدودهٔ خطابش منحصر به مردمان عصر نزول نیست. احادیث معصومان علیه‌السلام با جایگاهی که در تفسیر قرآن دارند، اصطیاد پیام‌های ماندگار این کتاب را هموار می‌سازند. این مهم در تفسیر فرازهایی همانند «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» که مستقل از بستر تاریخی زمانهٔ نزول، بر معنای دیگری هم دلالت دارند، بروز نموده و زمینهٔ توجه بسیاری از مفسران نسبت به قاعدهٔ «حجیت مفاد فرازهای مستقل قرآن» را تدارک دیده است. باور به مثل بودن این فراز و گرایش تفسیری برخی مفسران از دیگر عواملی است که زمینه‌ساز نگاه استقلالی به این جمله است. نوشتار حاضر با تحلیل دیدگاه‌های گوناگون، ضمن اثبات معناداری فراز مذکور در خارج از سیاق آیهٔ ۱۸۹ بقره، نشان می‌دهد تفسیر روایات بر پایهٔ استقلال مفاد آن، قاعده‌ای تفسیری و عملاً آموزشی برای مفسران است.

کلیدواژه‌ها: آیهٔ ۱۸۹ بقره، تفسیر قرآن، قاعدهٔ تفسیری، استقلال معنایی، سیاق.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل). At_mohammadzadeh@yahoo.com

** استادیار علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران. Shahidi@ut.ac.ir

*** دانشیار علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران. Mahdavr@ut.ac.ir

مقدمه

مسائل کلامی، فقهی، اخلاقی، اجتماعی و... به کار می‌آیند. ظاهراً نخستین بار علامه طباطبایی با تأکید بر مرجعیت اهل بیت علیه‌السلام، این نظریه را به‌عنوان قاعده‌ای تفسیری ذیل آیه ۱۱۵ سوره بقره^۲ مطرح ساخته و آن را سرّی از اسرار الهی در تفسیر قرآن معرفی کرده است. از نظر علامه هر جمله‌ای از آیات قرآن، افزون بر مفادی که می‌تواند با توجه به هریک از قبود خود داشته باشد، به‌طور مستقل، حاکی از حقیقت یا حکمی ثابت است. هرکدام از این صور و گونه‌های ترکیبی کلام الهی که امکان کاربرد مستقل را دارند، می‌توانند معتبر تلقی شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۰/۱). تأمل در بسیاری از عبارات‌های پایانی آیات قرآن مؤید همین مطلب است. به‌عنوان نمونه، فراز پایانی آیات ۱۴۰ آل‌عمران، ۱۷ انفال، ۲۸ غافر، ۷ حشر^۳ و... که در ارتباط و متناسب با سیاق آیه هستند، در خارج از سیاق نیز معنادار می‌باشند.

قرآن کریم که کتاب هدایت و آیین‌نامه سلوک فردی و اجتماعی است، سبک بیانی جامعی دارد اما در عین جامعیت، گزیده‌گو و مختصر است. علاوه بر این، سوبه‌ای از خطابش، ناظر به مردمان عصر نزول و فضای حاکم بر آن دوره است. با وجود چنین ماهیتی، این پرسش پدید می‌آید که چگونه می‌توان پیام‌های جاودانه قرآن را اصطیاد کرد. به‌طور قطع، با اعتقاد به هریک از مواضع معصومان علیه‌السلام در تفسیر آیات؛ اعم از موضع مفسری یا معلمی، می‌توان از توضیح‌های آنان در تبیین گزیده‌گویی‌های خداوند بهره برد و به یاری روایات ایشان، راه‌کارهایی برای استخراج پیام‌های ماندگار قرآن به دست آورد.

احادیث امامیه، نشان می‌دهد بسیاری از قواعدی که مفسران با تکیه بر آنها از محتوای آیات چهره گشوده‌اند، نخستین بار از سوی آن حضرات مطرح شده است. قاعده «حجیت مفاد فرازهای مستقل قرآن»، از جمله این موارد است. پرسش جابر جعفی از امام باقر علیه‌السلام درباره علت تفسیر دوگانه حضرت از یک آیه و پاسخ به او درباره تشکیل برخی آیه‌ها^۱ از فرازهای مستقل، نقش معصومان علیهم‌السلام را در طرح این قاعده ثابت می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۱/۱).

مطابق با این قاعده، فرازهای منقطع آیات اگر با سیاق کلام مغایرت نداشته باشند، در خارج از محدوده آیه نیز به‌عنوان جمله‌هایی تام، معنای مستقلی را افاده می‌کنند. این نوع جملات به‌تنهایی در حل بسیاری از

۲. «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَجَهَ اللَّهُ إِلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ وَسِعَ عِلْمَهُ».

۳. «إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نَادَا لَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لَعَلَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ».

«فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

«وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَ إِنَّ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ إِنَّ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ».

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ».

۱. عَنْ جَابِرٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا جَابِرُ إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِبَطْنٍ ظَهْرًا- ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَعَدَّ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْهُ، إِنَّ الْآيَةَ لَتَنْزِلُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ- وَ أَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ، وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يَنْصَرَفُ عَلَى وَجْهِ».

اعراب جاهلی در زمان حج و توصیه‌های مربوط به مقابله با این رفتار است.

هرچند این دو بخش در ارتباط با موضوع حج و برخی وقایع مرتبط با آن بوده، اما بعضی از مفسران در تفسیر قسمت دوم با اعتقاد به عمومیت معنای جملات، علاوه بر معنای به‌دست‌آمده از سبب‌های نزول آیه، به تبیین معانی دیگری هم پرداخته‌اند. با تفحص در تفاسیر، می‌توان شواهدی از این دست را سامان‌دهی و تحلیل کرد. بدین منظور، در ادامه، پس از نگاهی گذرا به اسباب نزول آیه، اقوال و نظرات مطرح درباره تفسیر آن واکاوی می‌گردد.

سبب نزول فقره اول

براساس غالب روایات نقل‌شده درباره فقره اول آیه، معاذین جبل و ثعلبه بن غنمه^۵ انصاری خدمت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسند و از تغییر هلال ماه و علت و نتایجی که این موضوع در بردارد می‌پرسند. بدین‌سان آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ نازل می‌شود (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۶۵/۱ و ۱۶۶ و واحدی، ۱۴۱۱: ۵۶، ح ۹۸) و فواید تغییر شکل ماه را در نظام زندگی انسان‌ها بیان می‌کند.

اما بنا بر دسته دیگری از روایات، معاذ این سؤال را از قول یهود مطرح کرده یا آنها بدون واسطه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیده‌اند (واحدی، ۱۴۱۱: ۵۵، ح ۹۶ و ۹۷ و طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۸/۲).

شمار دیگری از مفسران به نقل روایات مشابهی در این باره پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال، سمرقندی قول

دیدگاه فوق با مستنداتی که دارد از استواری ویژه‌ای برخوردار است و دقت در آن می‌تواند راه رسیدن به انبوهی از حقایق و معارف قرآنی را هموار سازد. اکنون با توجه به آنچه آهنگ آن داریم؛ چگونگی تعامل مفسران با سنت تفسیری اسلامی را در عین پیوند محکم فراز ﴿وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا﴾ (بقره/۱۸۹)^۴ با روایات سبب نزول آیه می‌کاویم و به تحلیل این موضوع می‌پردازیم که آیا جمله مذکور را در چارچوب ضیق تاریخی‌اش به تفسیر نشست‌اند یا آن را از بافت زمانمند خود بیرون کشیده و معنا کرده‌اند. گام بعدی در انجام این پژوهش، تشخیص زمینه‌هایی است که باعث شده مفسران به سمت کاربرد مستقل این فراز پیش روند.

نگاهی به فضای تاریخی نزول آیه (مستندات و اعتبارسنجی)

مطابق با روایات وارده درباره آیه ۱۸۹ سوره بقره، این آیه از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ پاسخ به سؤالی است که از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره سبب یا فواید تغییر شکل ماه پرسیده شد و بیان آن است که این‌گونه تغییرات سبب تشخیص زمان و امتیاز هر ماه از ماه قبل و بعد خود می‌شود.

قسمت دوم آیه: ﴿وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾، مربوط به یکی از آداب

۴. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

۵. در برخی منابع به صورت «ثعلبه بن عنمه» آمده است.

آن را با روایت براء که این عمل را به انصار نسبت داده، همراه نموده است (واحدی، ۱۴۱۱: ۵۶، ح ۹۹ و ۵۷، ح ۱۰۱)؛ اما در تفسیر ابن ابی حاتم روایات مربوط به بخش دوم آیه در پنج وجه نظم یافته‌اند. بنابراین اقوال، عادت مورد بحث مربوط به انصار در زمان برگشت از سفر بوده، یا با انصار، سایر اعراب و مردمی از مدینه در حال احرام ارتباط داشته است. گاهی این روایات درباره برخی از اقوام جاهلی به دلیل به هم خوردن برنامه سفر بعد از خروج از خانه و عدم ورود به خانه در وقت اعتکاف مطرح شده و در مواردی این عادت به اهل یثرب بعد از بازگشت از مراسم عید نسبت داده شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۲۳/۱ و ۳۲۴، ح ۱۷۰۹-۱۷۱۴). تنوع روایات در تفسیر طبری نیز قابل توجه است. در این منبع، غالب اقوال، مربوط به زمان حج و عادت افراد در ورود به منزل در حال احرام است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۸/۲-۱۱۰). به غیر از روایات فوق، ابوالجارود نیز حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که در مواردی به ابن عباس، براء، قتاده و عطاء نسبت داده شده، مطابق با این روایت، آیه مورد نظر بر امر و نهی اقوام جاهلی در نحوه ورود به خانه در زمان احرام دلالت دارد (طوسی، بی تا: ۱۴۲/۲ و طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۸/۲ و ۵۰۹).

با این همه از نگاه برخی مفسران پاره‌ای از این روایات، قابل نقد هستند. به عنوان نمونه ابن عاشور پس از مراجعه به تفسیر ابن جریر و ابن عطیه، به نقد روایت سدی پرداخته است. براساس این روایت، پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در حال احرام از دربی وارد شد، اما مردی از حجاز که محرم بود، چون خود را از حُمس می دانست، با حضرت همراهی نکرد. اینجا بود

ضحاک را درباره پرسش مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم بیان کرده (سمرقندی، بی تا: ۱/۱۲۶)، ابن ابی حاتم و طبری نیز اقوالی از ابن عباس، قتاده و... آورده‌اند که در آنها نامی از شخص یا اشخاص سؤال کننده نیامده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۲۲/۱، ح ۱۷۰۷ و ۱۷۰۸ و طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۸/۲).

سبب نزول فقره دوم

روایات وارده درباره فقره دوم نیز متعددند. عده‌ای ماجرای قطبه بن عامر انصاری را در مورد تبعیت وی از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در خروج از دربی در حال احرام نقل کرده‌اند. براساس این ماجرا، مرد انصاری برخلاف عادت و رسم قبلی‌اش عمل نمود، بدین جهت مورد اعتراض مردم قرار گرفت و در بیان علت پیروی خود از حضرت، بر احساس بودن^۶ و هم‌کیشی با ایشان تأکید کرد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۶۶/۱ و ۱۶۷ و واحدی، ۱۴۱۱: ۵۶ و ۵۷، ح ۱۰۰). این در حالی است که سمرقندی قول ضحاک را درباره عدم دخول کافران از درب خانه در ماه حج و روایت ابن عباس را در مورد عادت برخی از اقوام جاهلی در آغاز اسلام آورده است (سمرقندی، بی تا: ۱/۱۲۷). واحدی هم روایت اخیر را از قول مفسران ذکر کرده و

۶. براساس برخی از اقوال، قریش و تعدادی از قبائل دیگر که در دین خود تعصب داشتند و اصولاً مردمی با صلابت بودند، «حُمس» (جمع اُحمس، به معنای شدت و سختی) نام گرفتند. آنان در زمان احرام، برخلاف عادت انصار و سایر اعراب، از درب وارد می شدند؛ اما به عقیده بعضی، آنها نیز مانند سایر قبیله‌ها عمل می کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۰۸/۲ و ۵۰۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/۲۰۴ و طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۸/۲).

بر این باور رفته که اولاً؛ این روایت با آیه سازگار نیست؛ ثانیاً، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکمی را صادر نمی‌کرده که پس از آن تقبیح و نسخ گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۸/۲ و ۵۹)

صادقی‌تهرانی نیز بر میرا بودن ساحت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از نسخ تقریرش تأکید نموده است (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۲/۳).

موسوی‌سبزواری هم روایت مربوط به قطبۀ بن عامر را نشانه مدارای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با چنین اشخاصی به شمار آورده، آن را دلیل بر تقریر حضرت و تثبیت عادت نادرست افراد ندانسته و با ناسخ بودن آیه موافق نبوده است (موسوی‌سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۱۸/۳).

با تأمل در اقوال موجود و همچنین سیاق آیه، می‌توان گفت جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» به‌منظور مقابله با رفتار جاهلانۀ برخی از اعراب نازل شده است. با این همه بر پایه احادیث امامیه، این جمله پیام مستقلی دارد که خارج از سیاق نیز حجت است. رویکرد مفسران فریقین و برخی دیگر از اندیشمندان اسلامی در تبیین فقرۀ دوم این آیه و استفاده از آن در مباحث مختلف شاهد این مدعاست.

رهیافت‌های مفسران

با توجه به محتوا و اسباب نزول آیه روشن شد که بعد تاریخی بخشی از تفسیر آن را در بر گرفته است. تقریباً قریب به اتفاق مفسران به این بعد از آیه نظر داشته، دست‌کم، اقوال و روایات مربوط به آن را نقل کرده یا علاوه بر آن، به تحلیل مختصر یا مفصل اخبار پرداخته‌اند (فراء، ۱۹۸۰: ۱۱۵/۱-۱۱۶؛ هواری،

که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز خود را احمس معرفی فرمود و پس از آن، قسمت دوم آیه نازل شد. ابن‌عاشور این روایت را وهم و مخالف با روایتی شناخته که واحدی درباره قطبۀ بن عامر آورده است. او بر این امر تأکید کرده که بنا بر روایت سدی، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ورود به خانه از پشت آن را باطل خواند و بر ورود از درب امر فرمود در حالی که در صحیح، مطلبی دلیل بر صدور این دستور از سوی حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر نشده است. وی همچنین، این موضوع را مغایر با سیاق آیه دانسته است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۹۴/۲ و ۱۹۵) از نظر او، این هم بعید است که نزول آیه با هدف نهی افرادی که هنگام مواجهه با مشکلی نذر می‌کردند از درب خانه وارد نشوند، مرتبط باشد چون مخاطب آیه مسلمانان بودند و آنها چنین عملی انجام نمی‌دادند. علاوه بر این با تفحص او، به لحاظ سندی، هیچ‌کس سبب نزول بودن این روایت را تأیید نکرده است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۹۶/۲).

ابوزهره نیز پس از نقل روایت مربوط به عدم ورود برخی از اقوام عرب از درب خانه در حال احرام، تذکر داده که این قول با برخی از مآثورات متفق است ولی صحتش به‌صورت قطع و یقین ثابت نشده است (ابوزهره، بی‌تا: ۵۷۴/۲).

قاسمی هم روایت بخاری از براء را در بیان ورود انصار از پشت خانه، منطبق بر وقایع دانسته اما آن را سبب نزول به شمار نیاورده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵۶/۲ و ۵۷).

علامه از دیگر ناقدان بوده، وی آنچه را که از ظاهر روایت قطبۀ بن عامر برمی‌آید و نشانگر نسخ تشریح وارد شدن از پشت خانه‌ها است، به نقد کشیده و

ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱/۲۶۱-۲۶۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱/۲۳۶-۲۳۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲/۲۳۷-۲۴۰؛ بغدادی، ۱۴۲۰: ۱/۱۲۰-۱۲۱؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۱/۲۱۱-۲۱۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۲/۱۹۳-۱۹۵؛ دروزه، ۱۳۸۱: ۶/۳۲۴-۳۲۵؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۴ و زحیلی، ۱۴۱۸: ۲/۱۶۹-۱۷۱).

بنابراین دیدگاه این نوع مفسران با روایات سبب نزول سازگار است. شاید به همین جهت است که برخی، استناد به اسباب نزول و تفسیر آیه با تکیه بر حقیقت ماجرا را بر مجاز^۷ خواندن فقره دوم ترجیح داده (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱/۲۳۷ و مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/۲۹۴) و یا مثل بودن آن و ارتباطش با بخش نخست آیه را مردود دانسته‌اند (ابن عاشور، بی تا: ۲/۱۹۶).

تفسیر آیه مستقل از بستر تاریخی نزول گفتیم که برخی از مفسران با وجود توجه به معنای «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در فضای نزول آیه، از استقلال معنایی آن نیز غافل نبوده‌اند. آنها غالباً پس از تحلیل مختصر روایات سبب نزول یا ضمن تبیین وجوه ارتباطی فقرات آیه، نسبت به معناداری این جمله خارج از سیاق، اشارات یا تصریحاتی داشته‌اند. به‌عنوان مثال، شیخ طوسی درباره عادت گروهی از عرب جاهلی در ورود به خانه در حال احرام قولی نقل کرده اما وجه دیگر را که بر عمومیت و استقلال معنایی جمله مذکور دلالت دارد ترجیح داده (طوسی، بی تا: ۲/۱۴۲)، سید مرتضی علاوه بر نقل دو روایت تاریخی درباره افکار

۱۴۲۶: ۱/۱۷۰-۱۷۱؛ ماوردی، بی تا: ۱/۲۴۹-۲۵۱؛ ابن العربی، بی تا: ۱/۹۸-۱۰۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳/۶۴-۶۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۲۳۴-۲۳۵؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۱/۵۱۴-۵۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۰۸-۵۰۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱/۲۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۳۴۱-۳۴۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲/۲۳۳-۲۴۰؛ ابوالسعود، بی تا: ۱/۲۰۳؛ حقی، بی تا: ۱/۳۰۳-۳۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۴۶۷-۴۷۰؛ ابن عاشور، بی تا: ۲/۱۹۰-۱۹۵؛ دروزه، ۱۳۸۱: ۶/۳۲۳-۳۲۵؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۰-۱۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۵۵-۵۹؛ حوی، ۱۴۲۴: ۱/۴۳۵-۴۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۹-۱۳ و...).

در این میان، بعضی با تکیه بر سبب نزول فقره دوم، تنها بر معنای ظاهری جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» تأکید نموده درحالی که گروهی دیگر، علاوه بر معنای سیاقی، به حجیت مفاد آن در خارج از بستر تاریخی‌اش هم توجه داشته‌اند.

تفسیر آیه در بستر تاریخی نزول با بررسی تفاسیر متعدد ثابت شد که اکثر آنها برای هریک از دو بخش آیه سبب نزول مجزایی نقل کرده‌اند. بسیاری از این مفسران، معنای «بُيُوتَ» و «أَبْوَابِ» و مراد از «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» را مطابق با این روایات و سیاق آیه تبیین نموده‌اند. این گروه که بیشتر از معنای ظاهری آیه؛ یعنی نحوه ورود به خانه در حال احرام و رسم برخی از مردم در ورود به خانه سخن گفته‌اند، به استقلال معنایی این جمله توجهی نداشته یا اهمیت چندانی برای آن قائل نبوده‌اند (سمرقندی، بی تا: ۱/۱۲۶-۱۲۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲/۱۰۸-۱۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲/۸۵-۸۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۱۵۲).

۷. مراد از مجاز در این مقاله، معنای مستقل جمله بدون توجه به بستر تاریخی آیه است.

۱۱/۲-۱۳ و...).

بررسی تفاسیر فوق نشان می‌دهد نقطه اشتراک فریقین، آنجایی بیشتر بروز کرده که قائل به عمومیت معنای جمله بوده‌اند. در این خصوص، تکیه بر اقوال ابوعبیده معمر بن مثنی؛ ابوعلی جبائی معتزلی و ابومسلم بحر اصفهانی در تفاسیر هر دو گروه قابل توجه است؛ اما مستند مهمی که اهل سنت از آن بی‌بهره بوده، روایات معصومان علیهم‌السلام است که در تفاسیر شیعی کاربرد زیادی دارد و پس از این بدان خواهیم پرداخت. با تتبع صورت گرفته، به نظر می‌رسد پس از امام باقر علیه‌السلام، ابوعبیده نخستین فردی است که معنای بخش دوم آیه را محدود به ظاهر آن ندانسته و مفهوم مستقل آن را در خارج از سیاق با استفاده از اصطلاح مجاز، تبیین نموده است. وی مراد از جمله «وَأَتُوا اللَّيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» را طلب نیکی از اهلیش و از راهش و عدم تبعیت از جاهلان دانسته است (ابوعبیده، ۱۲۸۱: ۶۸/۱). پس از ابوعبیده، برخی از مفسران شیعی و غیرشیعی، گاهی با تأکید بر مثل بودن قول وی و گاهی بدون ذکر این نکته، دیدگاهش را نقل نموده‌اند^۸ (شریف مرتضی، ۱۴۳۱: ۵۰۶/۱ و ۵۰۷؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۵۰/۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۵۱۵/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۹/۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۶۱/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴۶/۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۳۸/۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۲۱۸/۱ و مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲).

سیدمرتضی نظر ابوعبیده را با نقل شعری از ابن اعرابی همراه کرده (شریف مرتضی، ۱۴۳۱: ۵۰۶/۱ و

خرافی برخی از اعراب و عملکرد آنها، اقوالی مربوط به مستقل بودن این جمله آورده (شریف مرتضی، ۱۴۳۱: ۵۰۵/۱). طبرسی رسم برخی از اقوام عرب را در زمان حج توضیح داده و در این باره اقوالی نقل کرده، اما در ادامه با تکیه بر روایاتی دیگر، از حجیت مفاد جمله در خارج از بافت آیه خبر داده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۸/۲ و ۵۰۹). بیضاوی با بیان برخی وجوه ارتباطی نشان داده که با معنای ظاهری فقره دوم موافق بوده، با این وجود، ضمن اشاره به حالت مثل بودن این قسمت از آیه، پذیرش استقلال معنایی جمله را در تفسیر خود آشکار نموده است. این نکته در بیان مفهوم «البر» و نیز معنای فعل امر در جمله «وَأَتُوا اللَّيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» قابل تأمل است. بیضاوی، «البر» را عکس عمل نکردن در کلیه مسائل تعریف کرده و مراد از جمله را دستور یا توصیه به انجام همه امور از راهش دانسته است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۲۷/۱). حوی نیز معتقد بوده جمله مورد بحث، حکم مثالی را دارد که سؤال‌کنندگان را نسبت به پرسش نابجای آنان آگاه می‌کند. وی با نقل گفتار نسفی درباره عمومیت معنای جمله، متذکر شده که همه امور را باید از راهش انجام داد و برخلاف آن عمل نکرد (حوی، ۱۴۲۴: ۴۳۶/۱).

این حالت در تفاسیر دیگر هم قابل مشاهده است (ابن‌العربی، بی‌تا: ۱۰۰/۱ و ۱۰۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶۵-۶۷/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۳۴/۱ و ۲۳۵؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۵۱۵/۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۶۱/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴۴-۳۴۶/۲؛ ابوالسعود، بی‌تا: ۲۰۳/۱؛ حقی، بی‌تا: ۳۰۴/۱ و ۳۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۶۹/۱ و ۴۷۰؛ طنطاوی، بی‌تا: ۴۰۵/۱ و ۴۰۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۶-۵۹/۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴:

۸. در این جا فقط به تفاسیری ارجاع داده شد که از ابوعبیده به صراحت یاد کرده و یا عین قول او را آورده‌اند.

عمومیت معنا، از حالت مثل بودن جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» نشئت می‌گیرد. این نوع عمومیت بار شده بر معنای جمله، می‌تواند یکی از نشانه‌های استقلال آن در خارج از سیاق باشد؛ بدین صورت که با برش جمله از بافت آیه، تحمیل معنای عام بر آن، امکان می‌یابد و بدین وسیله زمینه کاربست جمله بیرون از سیاق و در موقعیت‌های مختلف فراهم می‌شود. این نکته را می‌توان از لابه‌لای کلام برخی از مفسران هم برداشت کرد. به‌عنوان مثال، طبری کیه‌رایی در تفسیر فقهی خود نوشته است:

«فذكر إتيان البيوت من أبوابها مثلاً يشير به إلى أن تأتي الأمور من مآتها الذي ندبنا الله تعالى إليه» (طبری کیه‌رایی، ۱۴۰۵: ۷۸/۱) این قول که تا حدودی شبیه دیدگاه جبائی است، در تفسیر قرطبی هم بدون انتساب آن به فرد خاصی نقل شده و ظاهراً موردپسند مفسر بوده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴۶/۲).

بعضی دیگر این نظر را بدون کاربرد عبارت مذکور تأیید کرده‌اند. به‌عنوان مثال، راوندی به معنای عام جمله و لزوم تبعیت از احکام شرعی اشاره نموده است (راوندی، ۱۴۰۵: ۱۸۸/۱ و ۱۸۹)، از نظر حسینی همدانی جمله مورد بحث بر این معنا دلالت دارد که وظائف بندگی باید طبق روش معین اجرا شود و هر عمل، خارج از دستور شرع نکوهیده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳۸/۲)، موسوی سبزواری نیز آیه را کنایه از مطلق تشریحات دانسته که گاهی از راه جاهلانیه انجام می‌شود. از نگاه وی این موضوع محدود به قوم یا زمان خاصی نیست (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۱۳/۳-۱۱۹).

برخی هم در بیان معنای عام جمله چنین گفته‌اند:

۵۰۷)، میبیدی در تحکیم آن از روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «اطلبوا المعروف من اهله» و «اطلبوا الخير عند حسان الوجوه» بهره برده (میبیدی، ۱۳۷۱: ۵۱۵/۱) و ابن عطیه با بیان نظر قاضی ابومحمد در مورد ارجحیت نظر ابو عبیده نسبت به سایر دیدگاه‌ها بر آن مهر تأیید زده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۶۱/۱).

از دیگر عالمان متقدم که به استقلال معنایی جمله مذکور اذعان داشته، ابوعلی جبائی است. مطابق با قول او، جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»، ضرب‌المثل و بیانگر آن است که برای انجام هر کار نیکی از راهی که خداوند امر فرموده و افراد را بدان ترغیب نموده باید وارد شد (طوسی، بی‌تا: ۱۴۲/۲؛ شریف‌مرتضی، ۱۴۳۱: ۵۰۶/۱ و ۵۰۷ و قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴۶/۲). سیدمرتضی اشعار ابن‌اعرابی را علاوه بر تأیید نظر ابو عبیده، مؤید دیدگاه جبائی هم دانسته است (شریف‌مرتضی، ۱۴۳۱: ۵۰۶/۱ و ۵۰۷).

اما از نگاه ابومسلم، ورود به خانه از پشت آنکه عملی خلاف به شمار می‌آید، در حکم مثلی برای نشان دادن نادرستی مخالفت با امر واجب در حج و ماه‌های آن است. وی با تکیه بر نسی یا تأخیر در زمان حج که به‌نوعی عدول از حلال و حرام الهی است، به این نکته اشاره کرده است (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۷/۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۵ و ۲۸۷؛ ابوحنیان، ۱۴۲۰: ۲۳۸/۲ و قاسمی، ۱۴۱۸: ۵۶/۲).

ابن‌عاشور نیز قول ابومسلم را ذکر نموده ولی از آنجا که بحث نسی را مربوط به احوال اهل جاهلیت و آیه را خطاب به مسلمانان دانسته، با این دیدگاه موافق نبوده است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۹۶/۲).

بنا بر آنچه گذشت، دلالت هر سه قول بر

است. مجموع این روایات در دو گروه زیر قرار می‌گیرند.

الف) روایاتی که به‌طور مستقیم به تفسیر آیه پرداخته‌اند.

ب) روایاتی که نسبت به تعیین مصداق واژگان کلیدی فراز مورد بحث؛ یعنی «بُیُوت» و «أَبْوَاب» نظر داشته و به‌طور غیرمستقیم آیه را تفسیر کرده‌اند.

روایات گروه اول

ظاهراً امام باقر علیه‌السلام برای نخستین بار در روایت معروف خود که از جابر و ابوالجارود نقل شده: «أَيُّتُوا الْأُمُورَ مِنْ وَجْهَيْهَا» یا «أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهَيْهَا أَيْ الْأُمُورِ كَأَنَّ»، معنای جمله را بدون تکیه بر بستر تاریخی نزولش بیان فرموده و مراد از آن را اقدام به هر کاری از راه صحیح آن دانسته است (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۴/۱، ح ۱۴۳). غالب مفسران شیعی که با محوریت اخبار معصومان علیه‌السلام راه تفسیر را پیموده یا با اعتقاد به صحت این روایت آن را به کار گرفته‌اند، خودآگاه یا ناخودآگاه، از قاعده «حجیت مفاد فرازهای مستقل» بهره برده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۶۸/۱، ح ۲۱۱ و ۲۱۳؛ طوسی، بی‌تا: ۱۴۲/۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶۷/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۹/۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۴۱۲/۱؛ بلاغی، ۱۴۲۰: ۱۶۵/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۹/۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷۲/۴؛ حائری‌تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۱/۲؛ طیب، ۱۳۷۸: ۳۵۰/۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۴۹/۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲؛ ثقفی‌تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۳۷/۱؛ صادقی-تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۲/۳ و ۹۳؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۱۹/۳ و...).

«وإن اعتبرت عموم اللفظ فهو الدخول في الأمر من بابه» (نیشابوری، ۱۴۱۵: ۱۳۸/۱)، «و باشروا الأمور من وجوهها التي يجب أن تباشر عليها و لا تعكسوا» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۳۵/۱)، «إنما البر أن تأتوا الأمور من وجوهها التي يجب أن تؤتی منها و هذا باب مشهور في الكنايه» (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۶/۱-۵۲۷)، «إذ ليس في العدول بر فباشروا الأمور من وجوهها.» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۲۷/۱؛ ابوالسعود، بی‌تا: ۲۰۳/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۱ و آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۷۰/۱) و «و باشروا الأمور علی وجهها الذی ینبغی أن تباشر علیه و من ذلك أخذ أحكام الدین من أهلها، أی من محمد و أوصیائه صلوات الله علیهم أجمعین. فهم أبواب الله...» (سبزواری‌نجفی، ۱۴۰۶: ۲۲۸/۱ و ۱۴۱۹: ۳۵/۱).

بر مبنای شواهد موجود، می‌توان گفت باور به عمومیت فراز «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در منابع تفسیری، زمینه‌هایی دارد که پرداختن به آن، نقش قاعده «حجیت مفاد فرازهای مستقل» را در تبیین آیه روشن‌تر می‌سازد. بخش اصلی پژوهش حاضر به بحث و بررسی این زمینه‌ها اختصاص دارد.

زمینه‌های نگاه استقلالی به جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» با تتبع در تفاسیر می‌توان عوامل طرح نگاه استقلالی به جمله را شامل موارد زیر دانست:

روایات

روایات امامیه یکی از زمینه‌های توجه به حجیت مفاد جمله خارج از بستر تاریخی نزول آن بوده

روایات گروه دوم

پیش از این آمد که برخی از مفسران با تکیه بر اقوالی، جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» را توصیه به انجام کار نیک از راهش و یا مراجعه به اهلش تعریف کرده‌اند. روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «قد جعل الله للعلم أهلاً و فرض على العباد طاعتهم بقوله: «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»؛ و البيوت هي بيوت العلم الّذي استودعته الأنبياء و أبوابها أوصياؤهم»، در همین راستا، با معرفی انبیاء و اوصیاء ایشان به‌عنوان مصادیق «بیوت» و «أبواب»، نشان می‌دهد دستیابی به علم، از راه آنها که اهل علم‌اند امکان‌پذیر است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۴۸/۱).

نقل این روایت در بعضی تفاسیر از موافقت با معنای فرا سیاقی جمله حکایت دارد (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۲۷/۱ و ۲۲۸ و ۱۴۱۸: ۹۲/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۰۷/۱ - ۴۰۹، ح ۹۱۴ - ۹۱۶، ۹۲۲ و ۹۲۴؛ ثقفی‌تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۳۸/۱؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۳/۳ و ...).

در این میان گروهی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام یا عترت ایشان را مصداق ویژه «أبواب» شناخته‌اند، برای تأیید این نظر از گفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در معرفی خود و علی علیه‌السلام به‌عنوان شهر علم و درب آن^۹ یاد کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳: ۶۸/۱؛ فرات‌کوفی: ۱۴۱۰، ۶۳/۱ و ۶۴، ح ۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۹/۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۴۱۲/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۱؛ سبزواری‌نجفی، ۱۴۰۶: ۲۲۸/۱ و ۱۴۱۹: ۳۵/۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۹/۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۴۹/۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۱۴/۳ و ...).

از احادیث فوق برمی‌آید که شرط پیروی کامل

از دستورات آن حضرت، اطاعت از وسائط تبلیغ احکام یعنی اوصیاء ایشان علیه‌السلام است (حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳۹/۲). بدین ترتیب مرجعیت ائمه علیه‌السلام در بسیاری از امور اثبات می‌گردد. شاید بدین رو برخی از مفسران، پس از تأکید بر کلیت مفهوم آیه، آموختن احکام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام و عترت ایشان را از جمله مواردی به شمار آورده‌اند که در حدیث جابر به‌طور عام به آن اشاره شده است (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۲۷/۱ و ۱۴۱۸: ۹۲/۱ و سبزواری‌نجفی، ۱۴۰۶: ۲۲۸/۱).

از مستندات این مفسران، حدیث مشهور و مفصلی است که در قالب پاسخ علی علیه‌السلام به بعضی از پرسش‌های ابن‌کَوَّاء^{۱۰} بیان شده است. بخشی از این روایت که بر لزوم پذیرش ولایت ائمه علیه‌السلام و جایگاه علمی ایشان تأکید دارد، در بسیاری از تفاسیر شیعی آمده است. ظاهراً فرات‌کوفی اولین کسی است که آن را به‌طور کامل ذیل آیه ۴۶ سوره اعراف^{۱۱} نقل کرده (فرات‌کوفی، ۱۴۱۰: ۱۴۲ و ۱۴۳، ح ۱۷۴)؛ و پس از او برخی دیگر از مفسران در تفسیر آیه ۱۸۹ بقره از آن بهره برده‌اند (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۲۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۰۸/۱، ح ۹۱۶؛ طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۹/۲؛ حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳۹/۲؛ ثقفی‌تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۳۸/۱؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۳/۳ و ...). برخی از تفاسیر با نقل حدیثی از امام باقر علیه‌السلام، بخش پایانی پاسخ امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به‌تفصیل

۱۰. وی یکی از مخالفان حضرت علی علیه‌السلام و از خوارج بود. طبرسی احتجاج‌های آن حضرت با او را در کتاب *الإحتجاج علی أهل اللجاج* آورده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۱).

۱۱. «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ»

۹. «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ عَ بَابُهَا وَلَا تَدْخُلُوا الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا»

برخی هم معتقدند این نوع احادیث اشاره‌ای به یکی از مصداق‌های مفهوم کلی آیه است زیرا می‌گوید در تمام امور مذهبی خویش از طریق اصلی؛ یعنی اهل بیت پیامبر علیه‌السلام که طبق حدیث ثقلین قرین قرآن و پرورش‌یافتگان مکتب آن هستند وارد شوید و برنامه‌های خود را از آن‌ها بگیرید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲).

کاربرد برخی احادیث با مضامین فوق در منابع روایی، مؤیدی بر عملکرد مفسران در تفسیر آیه است. روایتی از «سعد اسکاف» از امام باقر علیه‌السلام در بیان مراد از اعراف و فضایل ائمه علیه‌السلام (صفار، ۱۴۰۴: ۴۹۹/۱، ح ۱۱ و دیلمی، ۱۴۲۷: ۱۸۱)، احتجاج امیرالمؤمنین علیه‌السلام با زنادقه و معرفی اوصیای پیامبران به‌عنوان خانه‌های علم (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۴۸/۱)، احتجاج امیرالمؤمنین علیه‌السلام با ابن‌کواء (ابوحیون، ۱۴۰۴: ۳۴۳/۲ و ۳۴۴، ح ۶۸۷ و طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۱ و ۲۲۸)، احادیثی که مراد از «بیت» را ائمه علیه‌السلام معرفی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۵/۲، ح ۶۲ و ۱۴۰۴: ۲۹۴-۲۹۷، ح ۳) و روایات مربوط به علم، عصمت و فضایل علی علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۵۸ و ۵۵۹، ح ۸-۱۱۷۲ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۳/۴۰ و ۲۰۴، ح ۱۰ و ۲۰۵/۴۰، ح ۱۲) از نمونه‌های درخور تأمل‌اند.

منابعی هم که به شرح حدیث پرداخته‌اند، اهمیت کاربرد این نوع روایات را اثبات می‌کنند. این موضوع ضمن معرفی ائمه علیه‌السلام به‌عنوان «ابواب» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۶۴-۱۶۶/۹ و مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۰۷/۵ و ۱۴۴/۸)، تأکید بر نقش ایشان در دستیابی به معرفت (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۳۷/۴ و ۱۴۲۵:

آورده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۰۹/۱، ح ۹۲۴، ۵۵۱/۲، ح ۳۹۰۶ و صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۳/۳).

مفسران شیعه به این نوع روایات بسنده نکرده و به احادیثی هم که بدون اشاره به بحث اهل علم، ائمه علیه‌السلام را «بیت» و «ابواب» را، راه رسیدن به آنها شناسانده (عیاشی، ۱۳۸۰: ۶۸/۱، ح ۲۱۲ و بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۰۷/۱ و ۴۰۸، ح ۹۱۹) و یا ایشان را راه وصول به خدا و دعوت‌کنندگان به‌سوی بهشت و راهنمایان آن تا روز قیامت معرفی کرده، توجه داشته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۶۸/۱، ح ۲۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۹/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۰۸/۱، ح ۹۱۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۴۱۲/۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۹/۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۴۹/۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲ و صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۳/۳ و ۹۴).

این نوع روایات ضمن تأکید بر مصداق اتم «بیت» و «ابواب»، می‌تواند استقلال معنایی جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنَ الْأَبْوَابِ» را در خارج از سیاق آیه ثابت کند. دیدگاه برخی مفسران ذیل این احادیث، موافقت آنها را در این باره ظاهر می‌سازد: علامه طباطبایی پس از نقل حدیثی از امام صادق علیه‌السلام که اوصیاء را «ابواب الله» معرفی فرموده، این روایت را از باب جری و بیان مصداق شناخته و بر عام بودن معنای آن علی‌رغم خاص بودن مورد نزولش، تأکید کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۹/۲).

طیب نیز در پایان تفسیر آیه ضمن یادآوری مصادیق «بیت» و «ابواب» در اخبار وارده، متذکر شده که تفاسیر مختلف ذیل آیات، غالباً برای بیان مصادیق است و منافاتی با عمومیت آیه ندارد (طیب، ۱۳۷۸: ۳۵۰/۲).

از این جمله در بخشی از کتاب *روضه المتقین* و در شرح قسمتی با عنوان «زِيارَةُ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴۳۰/۵، ح ۳۱۹۹). وی در شرح جمله «الْبَابُ الْمُتَبَلِّغُ بِهِ النَّاسُ» از زیارت جامعه نیز این آیه را به کار گرفته و پس از بیان مشابهت حال امت اسلام و قوم بنی اسرائیل در لزوم متابعت از رهبر، از فراز مذکور در تأیید این موضوع استفاده نموده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴۸۲/۵) او در *لواعص صاحبقرانی* و در شرح زیارت جامعه هم به بیان ارتباط جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» با بهره‌مندی از علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌علیه‌السلام و اطاعت از آنها پرداخته است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۷۲۸/۸ و ۷۲۹).

مازندرانی نیز در شرح *الکافی* و در بیان موضوع «حدود»، از تغییر آنها در شرایط اضطراری و از راه مشخص سخن گفته و بدین مناسبت آیه مذکور را آورده است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۳۹/۲ و ۳۴۰) او در شرح حدیثی از امام صادق علیه‌السلام^{۱۲} و در بیان مراد از «باب» در جمله «وَبَابُهُ الَّذِي يُدُلُّ عَلَيْهِ»، با ذکر فراز مورد بحث، به درب علم اشاره کرده است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۹۲/۴ و ۲۹۳).

و اما جیلانی؛ از دیگر شارحان حدیث، در *الدريعة إلى حافظ الشريعة* اطاعت را از وجوه عبادت شناخته و معرفت ائمه‌علیه‌السلام، آموختن آموزه‌های

۲۸۷ و ۲۸۸) و امکان ورود به «بُيُوت»؛ یعنی خانه‌های ایمان، علم و حکمت به واسطه آن حضرات (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹۵/۷) دیده می‌شود.

برخی دیگر از منابع غیرتفسیری نیز این نوع نگاه را تأیید کرده‌اند (حامدی، ۱۴۱۶: ۲۱۹؛ طبری، ۱۴۲۶: ۳۱/۱؛ حلی، ۱۴۱۱: ۵۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۲/۱ و ۲۱۳؛ مرعشی، ۱۴۰۹: ۴۵۹/۷ و ۴۶۰؛ حسینی تهرانی، ۲۷۶/۱۱-۲۸۱؛ تیجانی، ۱۴۲۸: ۱۴۳-۱۴۵ و حمود، ۱۴۲۱: ۱۱۵/۲ و ۱۱۶).

بدین ترتیب استناد به روایات امامیه، یکی از زمینه‌های مهم طرح قاعده «حجیت مفاد فرازهای مستقل» است. کاربرد مستقل جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در منابع غیرتفسیری؛ به‌ویژه در شروح احادیث و تألیفات کلامی و در بحث از مصادیق آیه، مؤید دیگری بر درستی کاربست این قاعده است.

به‌عنوان مثال، ملاصدرا در شرح *اصول الکافی*، در بحث از شواهد ربوبی، به موضوع نزول باران از آسمان و حکمت خداوند اشاره نموده و از آنجا که ظاهراً قصد داشته بین عملکرد راسخان در علم و افراد بی‌بصیرت مقایسه کند، بعد از توصیه به حرکت به سمت مطلوب و نکاتی پیرامون آن، تذکر داده که هر علم و معرفتی دربی دارد. وی بدین مناسبت از جمله مذکور یاد کرده است (صدرا، ۱۳۸۳: ۲۸۸/۱ و ۲۸۹).

او در جایی دیگر در بحث از هدایت عامه و خاصه، به موضوع هدایت ربانی و تصرف تدریجی در باطن پرداخته و پس از تذکر این نکته که دخول در باطن به‌جز از راه ظاهر صورت نمی‌گیرد، به جمله مذکور اشاره داشته است (صدرا، ۱۳۸۳: ۴۱۲/۳).

نمونه دیگر مربوط به استفاده محمدتقی مجلسی

۱۲. «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا، فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا؛ وَ صَوَّرَنَا، فَأَحْسَنَ صَوْرَتَنَا؛ وَ جَعَلَنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ، وَ لِسَانَهُ النَّاطِقَ فِي خَلْقِهِ، وَ يَدَهُ الْمَبْسُوطَةَ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ وَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَ بَابَهُ الَّذِي يُدُلُّ عَلَيْهِ، وَ خَزَائِنَهُ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ؛ بِنَا أَمَرَتِ الْأَشْجَارُ... وَ بَعَادَتَنَا عِبْدَ اللَّهِ، وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عِبَدَ اللَّهُ» (کلبینی، ۱۴۲۹، ۱/۳۵۲).

توبه^{۱۴} پس از ذکر فضایل علی علیه‌السلام و حدیث «مدینه العلم»، جمله مورد نظر را آورده است (قاضی نعمان، بی‌تا: ۱۱۶/۲ و ۸۷/۳).

این شهر آشوب هم در *متشابه القرآن* و در بیان عصمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» بهره برده است. از نگاه وی، حدیث «مدینه العلم» نشانه ولایت و امامت علی علیه‌السلام و بیانگر این موضوع است که علم و حکمت را باید از آن حضرت آموخت. به عقیده وی فراز مورد بحث با اشاره به این معنا، شاهدی بر عصمت امام علیه‌السلام است. او چنین استدلال می‌کند که چون از غیر معصومان عمل قبیح سر می‌زند، اقتدا به آنان نادرست است و از آنجا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فرموده خود امر به عمل قبیحی نمی‌کند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام معصوم است (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۳۳/۲).

هاشمی‌خویی نیز در کتاب *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، در بخشی با عنوان «العلم» و در بیان اوصاف علی علیه‌السلام، وجوب مراجعه به آن حضرت و تأکید بر عصمت ایشان، جمله مذکور را به کار گرفته (هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰: ۴۰۰/۲)، ذیل عنوان «الفرقة الخامسة الرزاقية» پس از بیان توضیحاتی درباره طایفه رزاقیه و انحراف آنها نسبت به شیعه، به این جمله و نیاز به پیروی از حجج الهی اشاره نموده (هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰: ۳۹۴/۱۳-۳۹۸) و در بخشی با عنوان «تنبیه علی مذهب الصوفیه و هدایه»، لزوم مراجعه به قول حجج و پیروی از راه آنها را با ذکر جمله «وَأَتُوا

دینی از آنها و تسلیم شدن در برابر ایشان را از موارد اطاعت برشمرده است. وی معتقد است این نکات از جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» به دست می‌آید (جیلانی، ۱۴۰۹: ۲۸۸/۲).

حر عاملی هم در کتاب *إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات* و در باب «وجوب ادله نقلی در تحصیل معارف»، به این جمله استناد کرده است (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۷۸/۱).

محمدباقر مجلسی نیز از به‌کار گرفتن آیه مذکور غافل نمانده، در باب «الدين الذي لا يقبل الله أعمال العباد إلا به» کتاب *بحار الأنوار* و باب‌های «معرفة الإمام و الرد إليه» و «النوادر» کتاب *مرآة العقول* در شرح احادیثی، از آیه مذکور بهره برده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲/۶۶ و ۱۴۰۴: ۱۱۶/۲-۱۱۸ و ۳۰۸ و ۳۰۹).

توجه به حجیت مفاد جمله مورد بحث در شمار دیگری از منابع غیرتفسیری؛ آنجا که محققان به‌طور خاص از فضائل اهل بیت علیه‌السلام و لزوم تبعیت از ایشان سخن می‌گویند، قابل مشاهده است.

مثلاً، قاضی نعمان در *تأویل الدعائم*، به مناسبت نقل آیه ۸۰ نحل^{۱۳} و ذکر واژه بیوت، توضیح داده معنای باطنی این کلمه، پناهگاه مؤمنان؛ یعنی اولیاء خدا و ابزارهایشان برای اصلاح بندگان است. مستند وی در بیان این نکته، فراز مذکور و حدیث «مدینه العلم» می‌باشد (قاضی نعمان، بی‌تا: ۱۱۳/۲ و ۸۴/۳). او در بخش دیگری از کتاب، ضمن بیان نکاتی درباره آیه ۳۶

۱۴. «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلَمُوا فِيهِ أَنْفُسَكُمْ وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.»

۱۳. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ أَبْوَابِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَنْتُمْ وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ.»

البیوت من ابوابها» یادآوری کرده است (هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰: ۱۳۲/۱۳-۱۳۴).

کاربرد این جمله در *عبقات الأنوار* و استناد به آن را می‌توان در توضیح و تأیید روایت «مدینه العلم» و موارد مشابه آن در بخش‌های مختلف کتاب مشاهده کرد (میرحامد حسین، ۱۳۶۶: ۵۰۹/۱۴، ۶۸۴ و ۶۹۰؛ ۶/۱۵، ۵۶۸ و ۵۶۹). ذکر این جمله در کنار جملات «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹)، «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/۱۰۳)، حدیث «باب حطه»، حدیث «ثقلین»، حدیث «مدینه العلم» و حدیث «علی مع القرآن و القرآن مع علی»، در اثبات انحصار علم اهل بیت علیه‌السلام و امتیاز ایشان از دیگر صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بحث از کلام شیخ عبدالحق دهلوی پیرامون حدیث «أنا دار الحکمه» و ردّ بخشی از آن و در ضمن پاسخ‌های متعدد به کلام «شاه ولی‌الله» پیرامون حدیث «مدینه العلم» قابل تأمل است (میرحامد حسین، ۱۳۶۶: ۴۸۱/۱۵).

کاربست جمله مذکور در بخش‌های مختلف کتاب *نفحات الأزهار* مانند آنچه در *عبقات الأنوار* آمده، مشهود است (میلانی، ۱۴۱۴: ۳۱۶/۱۰، ۱۸۱/۱۱-۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۴۹، ۲۹۱/۱۲-۲۹۳ و ۲۰۵/۱۲). سلطان الواعظین شیرازی از دیگر محققانی است که به استقلال معنایی جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» توجه داشته است. او در بحث از روایت «أنا دار الحکمه و علی بابها» در کتاب *لیالی بیساور*، پس از ذکر منابعی از اهل سنت که حدیث «مدینه العلم» را نقل کرده‌اند، فراز مورد نظر در آیه ۱۸۹ بقره را مؤید دیدگاه عالمان در موضوع امامت و علم علی علیه‌السلام دانسته است (شیرازی، ۱۴۱۹: ۱۱۲۲).

خراسانی نیز در کتاب *هدایة الأئمة إلی معارف الأئمة*، ذیل عنوان «حقیقه التوسل»، جمله فوق را در بیان این نکته که ولی خدا واسطه بین پروردگار و خلق است، به کار گرفته و به این نتیجه رسیده که توسل به لحاظ مفهوم وضعی و حقیقت اعتقادی آن شرک نیست (خراسانی، ۱۴۱۶: ۳۹۸).

باور به تناسب اندام‌وار اجزای آیه گروهی از مفسران با اعتقاد به تناسب اجزای آیه، کیفیت ارتباط دو فقره آن را تبیین نموده و از این طریق، استقلال مفاد فراز مذکور را در خارج از فضای آیه نیز ظاهر ساخته‌اند. از نگاه آنان جملات «لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا» یا «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در حکم مثل بوده و با معنای عامی که دارند، مفهوم بخش نخست آیه را در برگرفته و از این جهت با آن در ارتباط‌اند. بدین ترتیب آنان با تأکید بر کلیت مفهوم جملات، ناخودآگاه، معنای آنها را مستقل از بستر تاریخی آیه نیز حجت دانسته‌اند.

به عبارت دیگر چون این مفسران دو فراز فوق را عام و در حکم مثلی شناخته‌اند که برای نشان دادن عمل خلاف یا شایسته به کار رفته و کیفیت سؤال افراد از هلال ماه را نمونه‌ای از کارهای اشتباه به شمار آورده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۵؛ زمخسری، ۱۴۰۷: ۲۳۴/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۲۷/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۷/۱؛ ابوالسعود، بی‌تا: ۲۰۳/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۷۰/۱؛ طنطاوی، بی‌تا: ۴۰۵/۱؛ ابوزهره، بی‌تا: ۵۷۴/۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲ و صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۸۷/۳ و ۹۲)، ضمن تبیین ارتباط اجزای آیه، باور به معناداری این فرازها در خارج از

دیگر، سؤال از اختلاف هلال ماه بدون اطلاع بر هیئت افلاک و علوم مربوط به آن، طلب علم یا ورود به آن از راه غیرمرسوم است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱/۱۷۷).

با این همه بعضی تناسب دو فقره را به سؤال از هلال ماه ربط نداده و معتقدند همان‌طور که اختلاف شکل ماه، معیار شناسایی زمان و سبب اندازه‌گیری است، هر چیز دیگر و از جمله آداب حج نیز باید ملاک داشته و بر محور فرمان الهی استوار گردد (طوسی، بی‌تا: ۱۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۹/۲؛ حائری‌تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۱/۲ و مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲). با توجه به نحوه تعامل این نوع مفسران با آیه، به نظر می‌رسد تحلیل آنها بر مبنای روایات امام باقر علیه‌السلام و معنای عام جمله «وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در آن حدیث صورت گرفته است.

به هر رو بنا بر دیدگاه همه مفسران، مفهوم بخش دوم آیه، کلی و در حکم مثلی است که انجام هر کاری را از راه غیرمنطقی ابطال می‌کند. بر این اساس، اشتباه افراد در نوع پرسش، در حکم ورود آنان از راه نادرست به مسئله تلقی می‌شود؛ بنابراین پذیرش هرکدام از وجوه ارتباطی اخیر، زمینه موافقت مفسران با معنای عام جمله و پذیرش استقلال معنایی آن را در خارج از سیاق آیه فراهم کرده است.

گفتنی است در میان وجوهی که مفسران در بیان چگونگی اتصال دو فقره، ذکر نموده‌اند، تنها برخی بر استقلال معنایی فراز مزبور دلالت دارند. از این رو مواردی چون نزول هر دو بخش آیه به صورت یکجا و در پی رخدادهایی هم‌زمان؛ یعنی سؤال از سبب تغییر هلال ماه و نحوه ورود به خانه در حال احرام در یک زمان، استطرادی بودن فقره دوم آیه، لزوم پرسش از

سیاق آیه و حجیت مفاد آنها را به‌طور مستقل قوت بخشیده‌اند.

البته آنها در بیان علت خطای افراد در پرسیدن سؤال از هلال ماه و ارتباط آن با بخش دوم آیه، اتفاق ندارند. برخی معتقدند به‌جای پرسش درباره هلال ماه، باید از مسائل مهم‌تری سؤال می‌شد. به نظر آنان، سؤال بی‌فایده درباره حقایق هستی و اکتفا به ظواهر شرع، نوعی عمل عکس در شناخت عالم و مانند ورود به خانه از پشت آن است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۵؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶: ۱/۱۱۲؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۲۱۱/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶۶/۴ و ابوزهره، بی‌تا: ۵۷۴/۲). بعضی دیگر بر این باورند که با وجود گستردگی حکمت پروردگار در نظام خلقت، پرسیدن از سبب تغییر شکل ماه به‌جای پرسش از فایده این تغییر صحیح نبود. به عقیده ایشان، چون راه مستقیم در حل مسئله، استدلال به معلوم برای رسیدن به مجهول است و نه برعکس، سؤال‌کنندگان نباید به‌خاطر جهل خود از علت اختلاف در شکل ماه، نسبت به حکمت خداوند که نکته معلومی است، مردد می‌شدند و چنین سؤالی می‌کردند (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۷/۱ و صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۸۷/۳ و ۹۲)؛ برخی هم تأکید کرده‌اند سؤال از علت تغییرات ماه، با علم نبوت ارتباطی نداشته و پرسش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این مورد مناسب نبوده است^{۱۵} (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱/۱۲۷؛ ابوالسعود، بی‌تا: ۲۰۳/۱؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۱/۲۱۱ و طنطاوی، بی‌تا: ۴۰۵/۱)، اما از نگاه

۱۵. ظاهراً ابن‌عاشور تنها مفسری است که بر این مورد نقد وارد کرده و صحت آن را بعید دانسته است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۹۶/۲).

از مفسران قرار گرفته و زمینه استقلال معنایی جملات آیه را تدارک دیده، باور به وجود معنای رمزی یا اشاری برای آیات قرآن است. ظاهراً ابن عربی بر همین اساس، در تفسیر بخش دوم آیه، مراد از «بیوت» را قلوب و ورود از پشت آن را توجه به حواس ظاهری دانسته و در مقابل، امر به ورود از درب خانه را توصیه به پیمودن راه‌های باطنی برای رسیدن به حق و حقیقت معنا کرده است (ابن عربی: ۱۴۲۲، ۷۰/۱). ابن عجبیه، «بیوت» را که مرید به آن وارد می‌شود، اعم از خانه شریعت، طریقت و حقیقت شناخته، به وجود درب‌هایی برای هر خانه اشاره کرده و متذکر شده هرکس از درب بیاید، داخل می‌شود و هرکس از راه دیگری بیاید، طرد می‌گردد. وی پس از این به توضیح مفهوم هر یک از درب‌ها پرداخته است (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۲۲۱/۱ و ۲۲۲). حقی پس از بیان اینکه هر چیزی سبب و مدخلی دارد و رسیدن به آن جز از طریق پیروی از آن سبب ممکن نیست، بر این نکته تأکید کرده که وصول به پروردگار و ورود به محضر او از راه تقوا امکان‌پذیر است و به اندازه سلوک در مراتب تقوا، می‌توان به خداوند متصل شد (حقی، بی‌تا: ۳۰۵/۱). از نگاه گنابادی، درب همه امور و سمت و سوی همه چیزها ولایت است. وی در تأیید این دیدگاه، روایت معروف امام باقر علیه‌السلام: «أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهٍ أَيْ الْأُمُورِ كَان» را آورده و نتیجه گرفته که جمله مورد نظر، ورود به تمام امور دنیوی و اخروی را از راهش توصیه کرده است. بر این اساس، اهمیت راه وصول را مطرح نموده و در همین راستا به بیان جایگاه رجوع به عالم الهی و عدم پیروی از تقلیدهای نابجا در دریافت علوم الهی پرداخته است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۷۷/۱ و ۱۷۸).

مسائل مهمی چون حکم ورود به خانه در حال احرام به‌جای سؤال از علت تغییرات ماه، شباهت پندار باطل برخی نسبت به نیکو بودن تغییر عادات در زمان احرام با صحیح نبودن پرسش از تغییرات ماه (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۳۴/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۲۷/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴۴/۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۳۷/۲ و ۲۳۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۶/۱ و ۵۲۷؛ ابوالسعود، بی‌تا: ۲۰۳/۱؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۲۱۱/۱ و ۲۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۶۹/۱ و ۴۷۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۲۱۸/۱؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۹۳؛ دروزه، ۱۳۸۱: ۳۲۴/۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۱۸۴/۱؛ حوی، ۱۴۲۴: ۴۳۶/۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۷۱/۲ و مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۲) مورد نظر این تحقیق نیست.

گرایش تفسیری

در طول تاریخ تفسیر قرآن، مفسران با گرایش‌های متعددی به تبیین مفاهیم آیات پرداخته‌اند. از عوامل این گوناگونی، پیش‌فرض‌های بنیادین و مسلم صاحبان تفاسیر بوده که جهت‌گیری‌های بعدی آنها را شکل داده است. تعدادی از تفاسیر مورد مطالعه در این پژوهش که به‌طور معمول گرایش عرفانی یا اجتماعی دارند، با تکیه بر مبانی خاص خود، حجیت مفاد جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» را در فضایی خارج از سیاق آیه ثابت کرده‌اند. با بررسی این نوع تفاسیر مسئله فوق را پی می‌گیریم.

گرایش عرفانی

از مبانی مطرح در تفاسیر عرفانی که مستمسک برخی

عقاید یا معاشرت و معامله و به عبارتی در تمام شئون زندگی راه شایسته را برگزید (عاملی، ۱۳۶۰: ۱۳۶/۱). به عقیده مفسر من وحی القرآن نیز، مفهوم آیه فراتر از مورد نزول، متناسب با جو عام قرآنی و مربوط به همه امور؛ اعم از حیات علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی است. از نظر فضل‌الله، جمله مذکور به آدمی توصیه نموده در تمامی امور از راه‌هایی وارد شود که او را با همه جوانب و قضایا رو به رو کند و دستیابی به فرصت‌های موفقیت را برای او فراهم سازد. وی معتقد است بارزترین مصادیق «ابواب»، درهایی هستند که به روی خصلت‌های شخصی انسان باز می‌شوند. این مفسر با تأکید بر ضرورت شناخت عمیق شخصیت انسان و نقاط ضعف و قوت او، منشأ بسیاری از مشکلات در اجتماع بشری را عدم کشف درب‌های فرهنگی، روحی، اجتماعی و ناشناخته ماندن حقیقت انسان تشخیص داده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶۲/۴، ۷۱-۷۳).

از نگاه جعفری هم جمله مذکور علاوه بر معنای ظاهری، به حقیقتی بسیار مهم؛ یعنی دستور ورود به هر کاری از راه‌های درست اشاره می‌کند. وی این نکته را در مورد عبادت پروردگار، نزدیکی به خدا، درک پیام‌های او، داشتن اعتقادات درست و درک صحیح اسلام، قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح نموده، راه مناسب را ورود از درب خانه اهل بیت علیه‌السلام شناخته و سرپیچی گروهی از ایشان را پس از رحلت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عامل خسارت عظیمی معرفی کرده که دامن‌گیر جامعه اسلامی شده است (جعفری، بی‌تا: ۴۷۷/۱ و ۴۷۸).

از نوع کلام این مفسران، نگاه کلان آنان به آیه و

با این نوع نگاه، جمله «وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ابوابها» بیرون از فضای آیه معنای مستقلی دارد و کاربردی بودن قاعده «حجیت مفاد فراهای مستقل» در تفسیر آن تأیید می‌شود.

گرایش اجتماعی

شمار زیادی از مفسران اجتماعی با این باور که غالب معضلات جامعه را می‌توان با مراجعه به قرآن حل کرد، در تعامل با شرایط و مسائل روزگار و متأثر از دغدغه‌های فکری خود، برخی آیات را فراتر از بستر تاریخی نزول تفسیر می‌کنند. آیه ۱۸۹ بقره از جمله آیاتی است که برخی مفسران با این نگاه به تفسیر آن روی آورده‌اند.

در میان تفاسیر اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش، طالقانی به گونه‌ای متمایز قلم زده است. وی با یادآوری رسالت اسلام و قرآن برای برانگیختن عقول و فطرت، بر این امر تأکید فرموده که هدف، شناساندن حقایق و عظمت آفریننده و آفرینش است تا بدین وسیله مسلمانان درهای بسته علوم را بگشایند و گام به گام به نهمانخانه اسرار علمی وارد شوند. این مفسر با اشاره به هجوم دشمنان برای دستیابی به گنجینه‌های طبیعت و استفاده نادرست آنان از دستاوردها برای جنگ‌افروزی، به بحث از اهمیت پایه‌گذاری تقوا در نفوس برای رسیدن به کمال و خیر پرداخته است (طالقانی، ۱۳۶۲: ۷۷/۲ و ۷۸).

عاملی از مفسران دیگری است که با نگاه اجتماعی خود، مخاطب را بر بیراهه بودن توسل به وسایل غیرعادی برای انجام مقصود توجه داده و یادآور شده برای رسیدن به رستگاری باید در افکار و

توجه ایشان به معنای استقلالی «وَ أُوْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» هویدا است؛ بنابراین می‌توان گفت آنها نیز حجیت مفاد فراز مورد بحث را مستقل از بستر تاریخی آیه باور داشته‌اند.

ناگفته نماند، خطیب، صادقی تهرانی و نویسندگان تفسیر نمونه نیز ضمن یادآوری جنبه هدایتی قرآن و تأکید بر فراخوان آیه برای ورود به همه امور از راهش، به‌نوعی از قاعده تفسیری مورد بحث حمایت کرده‌اند (خطیب، بی‌تا: ۲۱۰/۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۹۳/۳ و ۹۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه تفاسیر متعدد فریقین؛ اعم از منابع متقدم تا معاصر، نشان داد که توجه به استقلال فراز «وَ أُوْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» ریشه‌ای دیرینه دارد. در این میان، شیعیان به دلیل تکیه بر روایات ائمه علیه‌السلام، در تبیین این موضوع نقش پررنگ‌تری داشته‌اند. با این وجود، جایگاه برخی از مفسران غیرشیعی و از جمله افراد وابسته به فرقه اعتزال نیز محفوظ است، اما خاستگاه نظرات آنها احادیث نیست. این در حالی است که اگر از چنین آبخواری بهره می‌بردند، درک مناسب آنها از تفسیر آیه معلوم می‌شد و تعداد زیادی از صاحب‌نظران به ایده‌های آنها مراجعه می‌کردند.

در جمع، باید گفت اگر مفسری مفهوم تاریخی جمله «وَ أُوْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» را پذیرفته و با تکیه بر سبب نزول، بر آن تأکید ورزیده و در عین حال در تفسیر، معنای مستقل آن را هم مورد توجه قرار داده، ظاهراً هیچ مبنای استواری برای پذیرفتن این استقلال به‌جز قاعده «حجیت مفاد فرازهای مستقل آیات»

نداشته است.

به‌علاوه چون زبان قرآن، زبانی فطری است، می‌توان با نگاه مستقل به واژه‌ها و جملات آن، به نکاتی دست یافت که در حل بسیاری از مسائل تمدنی، کشاکش‌های کلامی و غیر آن به کار می‌آید. درواقع یکی از نتایج باور به استقلال معنایی فراز «وَ أُوْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» همین نکته است.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر

القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه.

قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمان (۱۴۱۹). تفسیر القرآن

العظیم. عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.

- ابن‌العربی، محمد (بی‌تا). احکام القرآن. بیروت: دار

الجبل.

- ابن‌جزی، محمد (۱۴۱۶). التسهیل لعلوم التنزیل.

بیروت: دار الأرقم بن ابی الأرقم.

- ابن‌جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۲). زاد المسیر فی علم

التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی.

- ابن‌شهر آشوب، محمد (۱۳۶۹). متشابه القرآن. قم:

دار بیدار.

- ابن‌عاشور، محمد (بی‌تا). التحریر و التنویر. بیروت:

مؤسسه التاریخ.

- ابن‌عجیبه، احمد (۱۴۱۹). البحر المدید فی تفسیر

القرآن المجید. قاهره: حسن عباس زکی.

- ابن عربی، محمد (۱۴۲۲). *تفسیر ابن عربی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲). *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابوالسعود، محمد (بی تا). *إرشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابوالفتوح رازی، حسین (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمد (۱۴۲۰). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- ابوحنیف، نعمان (۱۴۰۹). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیه السلام*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابوزهره، محمد (بی تا). *زهره التفاسیر*. بیروت: دارالفکر.
- ابوعبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱). *مجاز القرآن*. قاهره: مکتبه الخانجی.
- بحرانی، هاشم (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- برقی، احمد (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیة.
- بغدادی، علاء الدین (۱۴۱۵). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بغوی، حسین (۱۴۲۰). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حسینی تهرانی، محمدحسین (۱۴۲۶). *امام شناسی*. مشهد: علامه طباطبائی.
- تیحانی سماوی، محمد (۱۴۲۸). *الشیعه هم أهل السنة*. قم: مؤسسه انصاریان.
- ثعلبی، ابواسحاق (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). *تفسیر روان جاوید*. تهران: برهان.
- جعفری، یعقوب (بی تا). *تفسیر کوثر*. قم: هجرت.
- جیلانی، رفیع الدین (۱۴۲۹). *الذریعه الی حافظ الشریعة*. قم: دار الحدیث.
- حائری تهرانی، علی (۱۳۷۷). *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- حامدی، ابراهیم (۱۴۱۶). *کنز الولد*. بیروت: دار الأندلس.
- حر عاملی، محمد (۱۴۲۵). *إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. تهران: کتاب فروشی لطفی.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- حلّی، حسن (۱۴۱۱). *کشف الیقین فی فضائل أميرالمؤمنین علیه السلام*. تهران: وزارت ارشاد.
- حمود، محمد جمیل (۱۴۲۱). *الفوائد البهیة فی شرح عقائد الإمامیه*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- حوی، سعید (۱۴۲۴). *الأساس فی التفسیر*. قاهره: دار السلام.
- خراسانی، ابوجعفر (۱۴۱۶). *هدایه الأمه الی معارف الأئمه*. قم: مؤسسه البعثة.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳). *التفسیر الحدیث*. قاهره:

- دار إحياء الكتب العربية.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷). *الميزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- احمد (۱۴۰۳). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- عماد الدین (۱۴۲۶). *کامل البهائی فی السقیفه*. بی جا: المكتبة الحیدریة.
- طوسی، محمد (۱۴۱۴). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- _____ (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طنطاوی، محمد (بی تا). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. قاهره: دار نهضة مصر.
- طبیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- عاملی، علی (۱۴۱۳). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*. قم: دارالقرآن الکریم.
- عیاشی، محمد (۱۳۸۰). *کتاب التفسیر*. تهران: چاپخانه علمیه.
- فخرالدین رازی، محمد (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فرآء، ابو زکریا (۱۹۸۰). *معانی القرآن*. مصر: دار المصرية.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات کوفی*. تهران: وزارت ارشاد.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
- دیلمی، حسن (۱۴۲۷). *غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الأئمة الأطهار علیه السلام*. قم: دلیل ما.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*. بیروت/دمشق: دار الفکر المعاصر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سبزواری نجفی، محمد (۱۴۰۶). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- _____ (۱۴۱۹). *إرشاد الأذهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا). *بحر العلوم*. بیروت: دار الفکر.
- سید قطب، ابن ابراهیم (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*. بیروت/قاهره: دار الشروق.
- سیوطی، عبدالرحمان (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- شریف مرتضی، علی (۱۴۳۱). *تفسیر الشریف المرتضی*. بیروت: شركة الأعلمی للمطبوعات.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴). *فتح القدير*. دمشق/بیروت: دار ابن کثیر / دار الكلم الطیب.
- شیرازی، سلطان الواعظین (۱۴۱۹). *لیالی بیضاور؛ مناظرات وحوار*. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۸۳). *شرح أصول الکافی (صدر)*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صفار، محمد (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و اله وسلم*. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

- فیض‌کاشانی، محمد (۱۴۰۶). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- _____ (۱۴۱۵). *الصادق*. تهران: الصدر.
- _____ (۱۴۱۸). *الأصفي في تفسير القرآن*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۴۲۵). *الشافي في العقائد والأخلاق والأحكام*. بی‌جا: دار اللوح المحفوظ.
- قاسمی، محمد (۱۴۱۸). *محاسن التأویل*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قاضی نعمان، ابوحنیفه (بی‌تا). *تأویل الدعائم*. قاهره: دار المعارف.
- قرطبی، محمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر التمعی*. قم: دارالکتاب.
- کاشانی، فتح الله (۱۳۳۶). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتاب فروشی علمی.
- کلینی، محمد (۱۴۲۹). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
- طبری کیهارسی، علی (۱۴۰۵). *احکام القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸). *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲). *شرح الکافی (الأصول و الروضه)*. تهران: المكتبة الإسلامية.
- ماوردی، علی (بی‌تا). *النکت و العیون*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مرعشی، قاضی نور الله (۱۴۰۹). *إحقات الحق و إزهاق الباطل*. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶). *روضه المتقین فی شرح*
- من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانور.
- _____ (۱۴۱۴). *لوامع صاحبقرانی*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مظهری محمد (۱۴۱۲). *التفسیر المظهری*. پاکستان: مكتبة رشديّة.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). *الكاشف*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث.
- مقدس اردبیلی، احمد (۱۳۸۳). *حديقة الشيعة*. قم: انتشارات انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- موسوی سبزواری، عبد الاعلی (۱۴۰۹). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اهل بیت علیه‌السلام.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عده الأبرار*. تهران: امیرکبیر.
- میرحامد حسین، مهدی (۱۳۶۶). *عقبات الأنوار فی إثبات إمامه الأئمة الأطهار علیه‌السلام*. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- میلانی، علی (۱۴۱۴). *نفحات الأزهار*. قم: مهر.
- نیشابوری، محمود (۱۴۱۵). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.

- نظام الدین (۱۴۱۶). *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- هاشمی خویی، حبیب‌الله (۱۴۰۰). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*. تهران: مکتبه الإسلامیة.
- واحدی نیشابوری، علی (۱۴۱۱). *اسباب نزول القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶). *تفسیر کتاب الله العزیز*. الجزائر: دار البصائر.